

## خوانش ترجیحات استفاده‌کنندگان در تجربه فضاهای عمومی تجاری شهر اصفهان\*

نعیمه السادات ابطی (پژوهشگر دوره دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، دانشکده فنی-مهندسی)

مجتبی رفیعیان\*\* (دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری، گروه شهرسازی)

محمود محمدی (دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان)

محمدسعید ایزدی (استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان)

کاوه رشیدزاده (استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب)

DOR: [20.1001.1.23452277.1400.11.38.8.5](https://doi.org/10.23452/277.1400.11.38.8.5)

### چکیده

«محیط شهری» فضایی است مادی، با ابعاد اجتماعی و روان‌شناختی به‌منظور جریان‌یافتن زندگی روزمره و بستری برای تجارب متنوع. درعین حال، فضای عمومی به ما این امکان را می‌دهد که حضور مردم، تجربه و درک شود و شناخت دیدگاه‌ها را فراهم می‌کند. بررسی ترجیحات استفاده‌کنندگان از فضاهای شهری رویکردی درجهت دستیابی به تجارب شهری جمعی است؛ درحالی‌که مسئله پیش‌رو در جهان مدرن، جایگزین‌شدن تجربیات جمعی با تجربیات آنی در فضای شهری و بی‌توجهی به ترجیحات محیطی استفاده‌کنندگان فضایی است.

هدف از این پژوهش، خوانش ترجیحات استفاده‌کنندگان فضاهای تجاری شهر اصفهان است و در پی پاسخگویی به این هدف، مقایسه‌ای تطبیقی بین ترجیحات استفاده‌کنندگان از فضاهای تجاری سنتی و فضاهای تجاری نوظهور بر مبنای نظریه تکاملی انجام گرفته‌است. روش این پژوهش در تبیین و تکمیل شاخص‌های بررسی تجربه و ترجیحات استفاده‌کنندگان، روش کیفی بوده و رویکرد پدیدارشناسی تفسیری مدنظر است و با استفاده از تکنیک افتراق معنایی در پنج فضای شهری هم‌مقیاس (شهری-فراشهری) اصفهان با کارکرد تجاری (میدان نقش جهان، میدان امام علی، مجموعه سیتی سنتر، ارگ جهان‌نما، مجتمع پارک) ارزیابی شده‌است.

در این پژوهش، سه بُعد اساسی تجربه در مدل ترجیحات مکان (بُعد منظر عینی، بُعد منظر ذهنی و بُعد منظر ارزیابانه) در نظر گرفته شده‌است که در نهایت می‌توان نتایج حاصل از بررسی شاخص‌های سه‌گانه ترجیحات شهروندان را در ابعاد تجربه مکان موردسنجش قرار داده و بر این مبنا فضاهای شهری را در یک مقایسه تطبیقی بررسی کرد. جمع‌بندی صورت‌گرفته از یافته‌ها و مقایسه شاخص‌ها در هر فضا و در مقایسه با سایر فضاها نشان می‌دهد که از میان ابعاد مطرح‌شده، شاخص‌های مطرح در بُعد ارزیابانه فضا (از جمله شاخص امنیت) منجر به ترجیح فضا می‌شود؛ هرچند شاخص‌های منظر ذهنی (از جمله شاخص خوانایی) و شاخص منظر عینی (از جمله شاخص وجود عناصر طبیعی و سبز) نیز لازمه ترجیح یک فضای شهری است.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۳ اردیبهشت ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۲۴ آبان ۱۳۹۹

صفحات: ۱۹۴-۱۶۷



کلید واژه‌ها:

تجربه شهری، ترجیحات محیطی، منظر عینی، منظر ذهنی، منظر ذهنی ارزیابانه، اصفهان.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «فضاهای نوظهور تجاری، خوانش اجتماعی-مکانی تجربه شهری» است.

\*\* نویسنده مسئول: دکتر مجتبی رفیعیان

پست الکترونیک: rafiei\_m@modares.ac.ir

## مقدمه

موجودیت مکانی-فضایی محیط شهری تأثیر می‌گذارد. تجربه شکل گرفته در صورتی که از تجارب جمعی بوده و قابل انتقال به دیگران باشد، می‌تواند به‌عنوان ابزاری مشارکتی در طراحی فضایی-مکانی محیط‌های شهری مورد استفاده قرار گیرد و نتایج مفید و جالب توجهی را در شناسایی ترجیحات، تمایلات و نیازهای انسانی در برخورد با فضاهای شهری فراهم آورد.

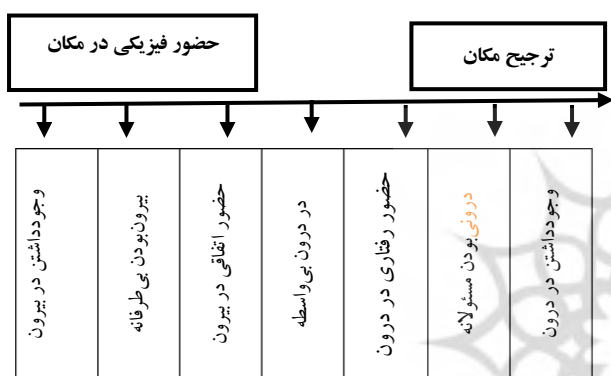
بدین ترتیب، هدف این پژوهش ارزیابی ترجیحات استفاده‌کنندگان فضاهای تجاری شهر اصفهان است و در پی پاسخگویی به این هدف، مقایسه‌ای تطبیقی بین ترجیحات استفاده‌کنندگان از فضاهای تجاری سنتی و فضاهای تجاری نوظهور با رویکرد تکاملی (رویکرد تکاملی یکی از رویکردهای سه‌گانه مطرح در بررسی ترجیحات محیطی است: رویکرد فرهنگی، رویکرد تکاملی و رویکرد بینابینی) انجام گرفته است.

سؤالات موردنظر در این پژوهش شناسایی متغیرهای مؤثر بر انتخاب و ترجیح استفاده‌کنندگان فضاهای عمومی شهر و ارزیابی نقش این متغیرها در ترجیح فضا است. از دیگر سؤالات این پژوهش تفاوت رجحان شاخص‌های ترجیحات در ۵ فضای شهری اصفهان (میدان نقش جهان، میدان امام علی، مجموعه سیتی سنتر، ارگ جهان‌نما، مجتمع پارک) است که از نظر سطح و مقیاس عملکردی و فعالیتی در حوزه شهری و فراشهری عمل کرده و با توجه به محدودیت‌های عملیاتی پژوهش انتخاب شده است. این پژوهش بخشی از یک تحقیق وسیع‌تر است که با روش پدیدارشناسانه و به‌دنبال رویکردی که فرایند اجتماعی-مکانی را به‌مثابه کنشی متقابل میان عامل انسانی و ساختار اجتماعی و فیزیکی در مکانی خاص بازمی‌شناسد، به شناسایی تجربه شهری در فضاهای شهری اصفهان می‌پردازد و ترجیحات را تا حدی معادل تصویر ذهنی ارزیابان از محیط و والاترین سطح از تجربه مکان دانسته است (برگرفته از رلف (۱۳۸۹)).

فضای عمومی فقط یک مکان برای حضور بین افراد یعنی جایی که فضا امکان فعالیت‌های مشترک را می‌دهد، نیست؛ بلکه مکانی است که در آن می‌توانیم تجربه نسل‌های پیشین را نیز تجربه کنیم و در همان فضاهایی که نسل‌های پیشین استفاده بودند و به همان مکان کالبدی که نگاه می‌کردند، ما نیز نگاه می‌کنیم.

بررسی ترجیحات و تجربیات استفاده‌کنندگان از فضا مسئله‌ای است که در مرحله اول با توجه به اشتراک یک فضای شهری با دیگران و بستر شکل‌گیری تجارب جمعی در شهر بایستی مورد مطالعه قرار گیرد؛ چراکه این نوع از تجارب قابل‌ثبات و انتقال به نسل‌های آینده است و در مرحله دوم تعریف محیط پیرامونی بر مبنای رفتار فضایی انسان‌ها و تأثیر متقابل رفتارها از محیط بیرونی، عامل ایجاد تجارب فردی است. این مسئله زمانی پررنگ‌تر می‌شود که تجارب جمعی توسط تجارب فردی و آنی جایگزین می‌شوند و نقش اساسی در موجودیت اجتماعی ما و شکل‌گیری تجربه‌ای گذرا و آنی از محیط شهری بازی می‌کند؛ براین‌اساس، زمانی که بینش‌های افراد، مورد مطالعه قرار می‌گیرد، روندهایی که بر رجحان فردی در فرایندهای اجتماعی و مکانی تأیید می‌کنند، ارزش خاصی خواهند داشت. همزمان، فرایندهایی که بر اهمیت ساختارهای اجتماعی تأکید می‌کنند، در درک فرایندهای اجتماعی از نظری وسیع‌تر مفید خواهند بود؛ ازاین‌رو ارزیابی ترجیحات، یکی از مباحث گسترده در زمینه تجربه شهری است. به عبارتی در تجربه مکان می‌توان به نکته مهمی اشاره کرد و آن اینک: «اگرچه حضور فیزیکی ممکن است لازم باشد، لیکن برای تحقق تجربه، کافی نیست» (رلف، ۱۳۸۹: ۷۱). اهمیت این موضوع زمانی مشخص می‌شود که مردم محیط خود را مورد قضاوت قرار داده و بدین ترتیب پاسخ مقتضی به محیط می‌دهند و فضاهای شهری را انتخاب می‌کنند و بر

است که با ادراک و عکس‌العمل به آن، از جهت مفید بودن و پشتیبان بودن در ارتباط است. با توجه به عقیده چارلز ورت، موجودات باید بتوانند محیط‌ها را از جهت اینکه کدام‌شان عملکرد بهتری دارند، تشخیص داده و سپس ترجیح دهند (S. Kaplan, ۱۹۸۹). ترجیح مکان، یکی از سطوح مختلف تجربه مکان است، به گونه‌ای که تجربه شامل طیف وسیعی از حضور فیزیکی صرف در مکان (بیگانگی در فضا) تا ترجیح یک مکان است (نمودار ۱).



نمودار ۱. سطوح مختلف تجربه مکان  
(منبع: برگرفته از رلف، ۱۳۸۹)

### پیشینه پژوهش

به منظور سنجش و ارزیابی ارزش‌های عموم مردم از ادراک محیطی و ترجیحات زیبایی‌شناسی منظر، پژوهش‌های متعدد و گسترده‌ای شده‌است. پژوهش اولیه در این زمینه درباره قانون گذاری برای حفاظت از محیط طبیعی آمریکا انجام شد (Green, 1999). پس از آن بسیاری از پژوهش‌ها به ترجیحات محیطی در زمینه محیط‌های طبیعی در تحقیقات اندیشمندانی چون راشل و استفان کاپلان (Kaplan, 1987) (Kaplan, 1987) انجام شده‌است. کاپلان در بررسی تفاوت نگرش معماران، معماران منظر و دانشجویان سایر رشته‌ها به این نتیجه رسید که برای همه این گروه‌ها انسجام (خوانایی) یک منظر

در خصوص شناسایی و ارزیابی ترجیحات مردم، توجه به دو محدودیت ضروری به نظر می‌رسد: نخست آنکه علی‌رغم پژوهش‌ها و مطالعات صورت گرفته، همان‌گونه که کارلسون (۱۹۹۳) (۲۰۰۱) می‌گوید، این رشته در زمینه نظری مشترک که قادر باشد یافته‌ها و اهداف را در سطوح مختلف انطباق دهد، همچنان دارای کمبودهایی است (Bitar, 2004) که شاید عامل اصلی رجوع به منابع دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ میلادی باشد و دوم آنکه به گفته ایم، «بخش قابل توجهی از مطالعاتی که سعی در سنجش کیفیت‌های ترجیحات دارند، در حوزه محیط‌های طبیعی انجام گرفته‌اند. تنها تعداد محدودی از این‌گونه پژوهش‌ها با محیط‌های شهری یا شبه‌شهری در ارتباط بوده‌اند» (Im, 1984).

### روش‌شناسی

در فرهنگ لغت دهخدا برای واژه «ترجیح» تعریف: «رجحان و فزونی و برتری و فضیلت دادن کسی یا چیزی بر دیگری، سبقت و تقدّم به چیزی یا به کسی دادن» آمده‌است و می‌توان برای این واژه مترادف‌هایی نیز نظیر تقدّم و... در نظر گرفت. در برخی پژوهش‌های مرتبط با مفهوم ترجیحات در فضای شهری، ترجیحات را نمودی از هویت مکان دانسته و بر نظریات متکی بر روانشناسی محیطی اشاره می‌کنند و آن را معادلی برای جذابیت مکان می‌دانند (Wilkie, 2013). نکته قابل تأمل در این پژوهش در رابطه با لغت «ترجیح» آن است که اولاً این ترجیح از اطراف مردم در رابطه با فضای شهری اعمال می‌شود و ثانیاً علاوه بر مترادف‌های این واژه در زبان فارسی، خود بحث ترجیحات با تجارب آبی و جمعی در ارتباط است که وجود این کیفیت‌ها در فرد یا گروه می‌تواند مفعول بحث ترجیحات باشد.

ترجیحات به‌عنوان شاخصی برای قضاوت‌های زیبایی‌شناختی به‌شمار می‌روند و فرایند پیچیده‌ای

ناخوشایند، به پیچیدگی بصری آن و ویژگی‌های شخصیتی افراد بستگی دارد؛ مک کچینز (۱۹۷۴) و فیلیس و سمپل (۱۹۷۸) نیز طی پژوهشی با استفاده از فهرست پاسخ زیست‌محیطی به‌منظور شناسایی شخصیت‌ها ترجیحات زیست‌محیطی را مورد پرسش قرار دادند؛ در پژوهشی دیگر شاخص سنی توسط لیونز<sup>۲</sup> انجام گرفت که ترجیح و تمایل به مناطقی با زیست‌بوم سبز در بچه‌های کوچک بسیار کم است، در حالی که تمایل در گروه سنی جوانان و میان‌سالان افزایش یافته و در گروه سنی مسن‌ها نیز مجدداً با کاهش ترجیح و تمایل روبه‌رو هستیم که در مناطقی با زیست‌بوم‌های متفاوت زندگی می‌کردند؛ لیونز (Lyons, 1983) در بین مجموعه‌ای از دانشجویان پژوهشی را مبنی بر سنجش ترجیح و تمایل به سکونت در مناطقی که به لحاظ شرایط اقلیمی و بومی دارای تفاوت بودند، انجام داد؛ نتیجه‌ای که حاصل شد حاکی از این بود که تعداد زیادی از افراد نسبت به مناطقی ابراز تمایل کرده بودند که به لحاظ زیست‌بومی عیناً مشابه یا دارای تشابهات اساسی‌ای با محیط زندگی‌شان داشتند. لیونز نشان داد که رابطه قوی بین سن، جنسیت، تجارب محلی و ترجیحات منظر وجود دارد. او دریافت که سطوح ترجیح در گروه‌های سنی مختلف فرق می‌کند، بزرگسالان مرد و زن دارای ترجیحات مختلف هستند و ساکنان شهر و روستا ترجیحات متفاوتی دارند (Lyons, 1983). همچنین پژوهش برنالسدز و همکارانش<sup>۳</sup> درباره پاسخ کودکان به مناظر مختلف بیانگر این است که بچه‌های کوچک ترجیح کمتری را نسبت به مناظر تاریک و روشن نشان می‌دهند. همچنین بچه‌ها با رده سنی بزرگ‌تر نیز به مناظر سخت و خشن با اشکال تهاجمی ترجیح و تمایل کمتری نشان می‌دهند. در این پژوهش مشهود شد که

قویاً ترجیح را پیش‌بینی می‌کرد. اگرچه معماران بیشترین انسجام و اعتبار را در عکس‌هایی از ساختمان‌های بدون طبیعت اختصاص می‌دادند، دیگر دانشجویان بیشتر انسجام را در مناظر طبیعی می‌دیدند؛ برای اساس کاپلان به این نتیجه رسید که اگرچه اهمیت ویژگی‌های زیست‌محیطی مثل انسجام به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده ترجیح ممکن است میان گروه‌ها اندکی تفاوت داشته باشند، اما تفاوت‌های شدید میان ترجیحات منظر، تحت علاقه شغلی به‌وجود می‌آید. این مسئله می‌تواند در پروژه‌های گروهی به‌راحتی باعث ایجاد مشکلاتی شود (پورتئوس، ۱۳۹۱).

تحقیقات دیگری در محیط‌های ساخته‌شده، همچون مناطق مسکونی یا شهری توسط هرزوغ<sup>۱</sup>، جک نسر و سایرین (Hanyu, Herzog, Kaplan, 1982) (2000 نسر، ۱۳۹۳) (Herzog, 1992) مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

هرزوغ (۱۹۹۲) نیز در پژوهش خود با عنوان «تحلیل‌شناختی ترجیحات فضای شهری» برای سنجش ترجیحات، پنج دسته از فضاهای شهری (باز و تعریف‌نشده، ساختاریافته، محصور، با دید محدود و محورها) را مورد مطالعه قرار می‌دهد که نه متغیر مؤثر شامل وسعت فضایی، پناه‌دادن، محصوربودن، انسجام، خوانایی، پیچیدگی، اسرارآمیزبودن، نمونه‌واری و قدمت را به‌عنوان عوامل مؤثر بر ترجیحات و تجربیات استفاده‌کنندگان از فضا معرفی می‌کند.

ازجمله پژوهش‌هایی که به‌طور خاص، به تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بر ترجیحات مردم در فضای شهری می‌پردازد می‌توان به این موارد اشاره کرد: پژوهش یانسنس در سال ۱۹۸۴ در سوئد نشان داد که ارزیابی نمای یک ساختمان تحت عنوان خوشایند و یا

2. Lyons, 1983  
3. Bernaldez et al, 1987

1. Herzog

پیرامون شان است. هال و استوارت<sup>۲</sup> در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که زنان و مردان در هنگام پیاده‌روی به موضوعات متفاوتی از یک منظره یکسان توجه می‌کنند؛ به طوری که مردان در مقایسه با زنان بیشتر به زمین، عوارض توپوگرافی و موضوعات ناپایداری توجه نشان می‌دهند. نتایج حاصل از مطالعات استرن و همکارانش<sup>۳</sup> نیز حاکی از این است که زنان نسبت به مردان نگرش‌های منفی‌تری در خصوص دخالت در محیط دارند. همچنان که به نظر می‌رسد که به یاد آوردن تغییرات فضایی شکل گرفته در محیط برای زنان نسبت به مردان سهولت بیشتری دارد (bernaldez et al, 1989). دیردن (dearden, 1984) نیز در پژوهش‌هایی که انجام داد، به این نتیجه رسید که جنس مؤنث تحسین بیشتری نسبت به مناظر شهر و اطراف شهر از خود نشان می‌دهد. در مجموع می‌توان گفت که مطالعات انجام گرفته، گویای تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای میان مردان و زنان در نحوه نگرش و برخورد با محیط است (پورتئوس، ۱۳۹۲). شاخص سطح سواد و تحصیلات نیز در یک مطالعه مقایسه‌ای توسط بالینگ و فالد<sup>۴</sup> انجام گرفت. دانشجویان دانشکده نسبت به دانش‌آموزان مدرسه نگرش‌های سازگار به محیط‌های طبیعی بکر داشتند. به نظر می‌رسد نوع رشته (دانشگاهی) نیز از عوامل تأثیرگذار است؛ به عنوان مثال، نگرش‌ها و نحوه ادراک و ترجیح دانشجویان معماری منظر و متخصصان محیط‌زیست، نسبت به محیط‌های طبیعی و باز در مقایسه با سایر مردم متفاوت است (bitar, 2004). شاخص دیگری که پژوهش‌ها به آن پرداخته‌اند، در خصوص تمایزات ناشی از فرهنگ‌های مختلف است. از جمله کارهای پیش‌روی صورت گرفته در این

هیچ‌گونه تمایز فاحشی بین گروه‌های سنی در واکنش به مشارکت در مناظر گوناگون وجود ندارد؛ موردی که قبل از آن نیز در پژوهش‌ها بدان اشاره شده بود (balling and falk, 1982, zube et al, 1983 and ) (bernaldez et al, 1989).

پژوهش دیگری که از جمله پژوهش‌های تأثیرگذار در حوزه نظر و عمل بوده، مطالعه نسر در خصوص تمایزات آشنایی و تجربه‌های قبلی در مواجهه با فضای شهری است. در این پژوهش بر روی ترجیح نظم، طبیعی بودن، دیدهای باز و وسیع و آباد بودن، اتفاق نظر وجود دارد، ولی موضوعات ژاپنی توسط آمریکایی‌ها ترجیح داده می‌شود و برعکس (نسر، ۱۳۹۳). یافته‌های او فرضیه برلین را که طبق آن افراد، تازگی را به آشنابودن ترجیح می‌دهند، مورد حمایت قرار می‌دهد. او همچنین بیان می‌دارد که اگر این نمونه آماری از بین افراد مسن‌تر انتخاب می‌شد، نتایج متفاوت می‌بود. ذوب و همکارانش<sup>۱</sup> در بررسی تفاوت نگرش بزرگسالان نسبت به کودکان و سالخورده‌گان در برخورد با محیط‌های طبیعی بکر یا مناظری که توسط انسان مورد مداخله قرار گرفته بودند، به این نتیجه دست یافتند که شباهت‌های زیادی میان ارزش‌های چشم‌انداز برای نوجوانان، جوانان و میانسالان وجود دارد، گرچه پاسخ‌های افراد جوان و بسیار پیر کاملاً با این ضابطه تفاوت دارد؛ به طوری که به نظر می‌رسد کودکان و سالمندان توسط مداخله‌های انسانی در مناظر طبیعی تحت تأثیر شدید قرار نمی‌گیرند، اما بزرگسالان و نوجوانان معتقدند که هرچه اجزای انسان ساخت منظر افزایش یابد کم‌ارزش‌تر می‌شود (پورتئوس، ۱۳۹۱). جنسیت یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اجتماعی متمایزکننده نگرش‌های افراد جامعه و ترجیحات محیطی آن‌ها نسبت به محیط

2. Hall & Stewart, 1995

3. Stern et al, 1993

4. Balling & falk, 1982

1. Zube, et al, 1983

یو نیز گزارش کرد که مردم از محیط‌های مسکونی مختلف (شهری یا روستایی) ترجیحات مختلفی دارند. روستاییان بیشتر تازگی و مدرن بودن را ترجیح می‌دهند. او همچنین مشخص کرد که ترجیحات منظر قویاً توسط سطوح تحصیلات تحت تأثیر قرار می‌گیرد. هرچند یافته‌های او رابطه‌ی معنی‌داری بین جنس و ترجیحات نشان نداد (Yu, 1995).

دیردن (Dearden, 1984) با تأکید بر مجموعه مطالعات صورت گرفته بر این نکته تأکید می‌ورزد که قضاوت‌های ترجیحی افراد از فضاها، مسلماً تحت تأثیر مجموعه مرکبی از ویژگی‌ها و خصوصیات شخصی فرهنگی بوده و این تأثیرات و نفوذها را با عنوان سلسله‌مراتب زنجیروار تعریف می‌کند. به دنبال آگاهی از تأثیر تفاوت‌های شخصیتی، فردی، میان فرهنگی و... در ترجیحات فضاهای شهری توسط مردم و معیارهای آن‌ها در تشخیص و تعیین میزان مطلوبیت مناظر پیرامون، دیردن ادعا میکند ترجیح مرتبط با شناخت ممکن است به طور قابل ملاحظه‌ای با مقیاس و در طول زمان تغییر کند.

مطالعات ارائه شده مبنای اکثر پژوهش‌های صورت گرفته از سال ۲۰۰۰ به بعد بوده است و همان گونه که در مقدمه اشاره شد، خلأ مبانی نظری در این حوزه، مطالعات متأخر را با محدودیت‌های زیادی مواجه کرده است. از جمله مطالعات متأخری که انجام شده و در فضاهای تجاری ترجیحات محیطی را ارزیابی کرده، پژوهش اوزی (Özsoy, 2010) در فضاهای تجاری ترکیه است که در نهایت ترجیحات گروه‌های سنی در فضا را تحلیل توصیفی کرده و امکان تجربه فضا متأثر از گروه‌های سنی تحلیل کرده است (Pazhouhanfara, 2014). رابطه بین تجربه فضاهای شهری را با عوامل ترجیحات بصری (به ویژه ۴ عامل کاپلان) اثبات کرده‌اند و با استناد به پژوهش‌های دیگری (Staatsetal., 2003; Hartig and Staats, 2003)

خصوصاً، می‌توان به مطالعات ذوب و پیت<sup>۱</sup> در خصوص تفاوت‌های میان فرهنگی بین مردم یوگسلاوی، ایرلند جنوبی و آمریکایی با پیشینه‌های قومی و اقلیتی متفاوت، تفاوت میان سفیدپوستان و سیاه‌پوستان آمریکایی (فلچ، بارت و پیترسون) و ساکنان یک منطقه و بازدیدکنندگان از آن (اورلاند، ۱۹۸۸). به نقل از پورتوس، (۱۳۹۱) اشاره کرد. مطالعات صورت گرفته توسط هال و رول در سال ۱۹۸۹، در مناطق دیدنی جزیره بالی، شباهت‌های زیادی را در ترجیحات محیطی میان بومیان این جزیره و گردشگران غربی نشان داد. به گفته این محققان، این شباهت‌ها ناشی از ترجیحات گونه‌شناختی ژنتیک است. آن‌ها معتقدند که ارزش‌های زیبایی، حداقل در میان بومیان بالی، ضمن اینکه فرهنگ آموخته می‌شود، توسط گسترش ارزش‌های غربی وارداتی توسط توده گردشگران نیز تحت تأثیر قرار گرفته است. دنیل<sup>۲</sup> با بررسی مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته درباره متغیرهای میان فرهنگی مؤثر بر ترجیحات محیطی، خاطر نشان کرد که تمایزات میان فرهنگی بیش از تمایزات فرهنگی تأثیرگذار هستند (bitar, 2004).

سانفیلد (1966) نیز بیان می‌دارد که جوانان «تازگی» و افراد با سنین بالاتر «آشنا بودن» را ترجیح می‌دهند. یانگ و کاپلان (1990) نیز در مطالعه‌ای به بررسی ترجیحات منظر در مردم کره‌ای و غربی پرداختند. آن‌ها به یک شباهت بین فرهنگی در ترجیحات منظر رسیدند. بر این اساس عامل طبیعی بودن از موارد مشترک ترجیحات این دو گروه متفاوت فرهنگی بوده است. مناظر طراحی شده با اشکال و فرم‌های رسمی زاویه دار و راست گوشه کمتر مورد ترجیح هر دو گروه بوده است (Nasar, 1988).

1. Zube & pitt, 1981  
2. Daniel, 2004

درباره رضایتمندی از کیفیت سکونتی مسکن مهر انجام داده است (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۳) و مقایسه‌ای مابین عوامل ترجیح فضا، رضایتمندی و جنسیت داشته و استدلال کرده که بین ترجیحات از دید زنان و مردان تفاوت معناداری وجود داشته و میزان کیفیت از دید زنان در آستانه پایین برآورده شد. همچنین زنان و مردان جزء معیارهای عملکرد، آسایش روانی و لذت در معیار فضای شهری و جزء معیارهای حفاظت و نظارت طبیعی در معیار امنیت با هم تفاوت معنادار دارند (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۲).

در نهایت در پژوهش دیگری که موارد را به ۳ دسته اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تقسیم کرده است، تأثیر مؤلفه فرهنگی را از سایر عوامل در ترجیحات محیطی بیشتر دانسته است (خمر و همکاران، ۱۳۹۳). جمع‌بندی موارد اشاره‌شده در پیشینه پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

۲۰۰۶; Hansmann et al., ۲۰۰۷) نقش طبیعت و طبیعی بودن فضا را مهم‌ترین عامل برشمرده است. (Pazhouhanfara, 2014) بر مبنای عوامل ۴ گانه، کاپلان‌های کولومبو ترجیحات رفتاری استفاده‌کنندگان را در فضاهای تجاری در سال ۲۰۱۵ بررسی کرده و رابطه دلپذیری محیط با طراحی را بر مبنای انسجام، خوانایی، پیچیدگی و رمز و راز بررسی کرده است (Colombo, 2015). همچنین در مطالعه دیگری که توسط وان دوگن و همکارانش در رابطه با ترجیح خیابان‌های شهر هلند توسط شهروندان انجام شده است، به عامل طبیعی بودن به‌عنوان عامل مؤثر عینی اشاره شده است (Van Dongen, 2019).

بر مبنای پژوهش‌های مبنایی ارائه‌شده، تحقیقات داخلی در فضاهای شهری ایران نیز انجام گرفته است؛ از جمله شاهین‌راد و رفعیان (۱۳۹۴) که به ارزیابی ترجیحات بصری زنان از فضاهای شهری تهران در دو فضای میدان انقلاب و خیابان ولیعصر پرداخته و در این مقاله تئوری‌های موردنظر در دو گروه تئوری‌های محیط بصری و تئوری‌های ترجیحات بصری بررسی شده‌اند (شاهین‌راد و همکاران، ۱۳۹۴). همچنین گلچین و همکارانش با اشاره به تئوری کاپلان‌ها به ارزیابی کیفیت بصری فضاهای آموزشی بر اساس ترجیحات استفاده‌کنندگان در دانشگاه سیستان و بلوچستان و با بررسی صفت‌های دوقطبی، در جست‌وجوی استخراج ترجیحات زیبایی استفاده‌کنندگان از منظر هستند (گلچین و همکاران، ۱۳۹۱). رفعیان و همکاران نیز در پژوهشی دیگر ترجیحات شهروندان در محیط‌های سکونتی را تحت عنوان رضایتمندی شهروندان از محیط‌های سکونتی شهری به دامنه گسترده‌ای از تمایلات و مطلوبیت‌ها در جهت رفع نیازهای پایه و اهمیت امنیت و روابط همسایگی در ترجیح فضا اشاره کرده‌اند (رفعیان و همکاران، ۱۳۸۸). در پژوهشی دیگر این ارزیابی را

جدول ۱. شاخص‌های ترجیحات بر مبنای پیشینه پژوهش

شاخص ترجیحات محیطی	صاحب‌نظران	
رویکرد ترجیحات فرهنگی	ویژگی‌های شخصیتی	(Balling and falk, 1982, zube et al, 1983 and bernaldez et al, 1987) (پورتئوس، ۱۳۹۱ به نقل از فیلیس و سمپل (۱۹۷۸) ویانسنس (۱۹۸۴)، (McKechnie, 1977)
	ویژگی‌های سنی	(Lyons, 1983)، (Bernalds et al, 1989)، (dearden, 1984) (پورتئوس، ۱۳۹۲ به نقل از سانفیلد (۱۹۶۶)
	ویژگی‌های جنسیتی	(Bittar, 2004)، (پورتئوس، ۱۳۹۱)، (Lyons, 1983)
	سواد و تحصیلات	(پورتئوس، ۱۳۹۱ به نقل از هال و رول، (۱۹۸۹)، (bittar, 2004)، (Yu, 1995)
	اختلاف فرهنگی	(balling and falk, 1982, zube et al, 1983 and bernaldez et al, 1987) (پورتئوس، ۱۳۹۱ به نقل از یانگ و کاپلان (1990)
	تجربه فضا	(bernalds et al, 1989)، (پورتئوس، ۱۳۹۲)، (dearden, 1984 & 1979)
رویکرد تکاملی	طبیعی بودن	نسر (۱۳۹۳)؛ لینچ (۱۹۶۰) Kamal M.S (۲۰۱۴) (Hartig and Staats, ۲۰۰۳ Staatsetal.) ; (۲۰۰۶، Hansmann et al., ۲۰۰۷)
	اهمیت تاریخی (قدمت)	هرزوغ (۱۹۹۲)؛ ایوانس و سایر (۱۹۸۲)؛ لینچ (۱۹۶۰)
	خوانایی	لینچ (۱۹۶۰)؛ اپلیارد (۱۹۷۶)؛ کاپلان (۱۹۷۹)؛ ایوانس و سایر (۱۹۸۲)، راپاپورت (۱۹۸۹)
	اسرار آمیز بودن	کاپلان (۱۹۷۹)؛ هرزوغ (۱۹۹۲)
	نمونه‌واری	هرزوغ (۱۹۹۲)
	تداعی	راپاپورت (۱۹۸۹)
	نگهداری مناسب	نسر (۱۳۹۳)
	پناه‌دادن	هرزوغ (۱۹۹۲)
	پیچیدگی	نسر (۱۳۹۳)؛ هرزوغ (۱۹۹۲)؛ کاپلان (۱۹۷۹)؛ کالن (۱۹۶۱)
	انسجام	هرزوغ (۱۹۹۲)؛ کاپلان (۱۹۷۹)
	نظم	نسر (۱۳۹۳)؛ لینچ (۱۹۶۰)
	محصور بودن و تعیین فضایی و امنیت	کالن (۱۹۶۱)؛ هرزوغ (۱۹۹۲)
	باز بودن (گشودگی و وسعت فضا)	هرزوغ (۱۹۹۲)؛ نسر (۱۳۹۳)؛ لینچ (۱۹۶۰)

(منبع: نگارندگان با اقتباس از منابع: ۱۳۹۹)

## مبانی نظری

تئوری‌های متعدد در زمینه خوانش ترجیحات را می‌توان به دو دسته کلی نظریه‌های تکاملی و نظریه‌های فرهنگی تقسیم کرد (Tveit et al, 2006). البته در پژوهش‌های اخیر، شاهد رویکردهایی هستیم که در ترجیح افراد، ترکیبی از نیروهای فرهنگی و تکاملی را معرفی می‌کنند (Tveit et al, 2006).

مطالعاتی (Norton, 1998) نیز وجود دارد که نشان داده‌اند که ترجیحات افراد بر اساس تأثیرات توأمان فرهنگی و طبیعی شکل می‌گیرد. مطابق با پژوهش‌هایی که با رویکرد تکاملی، ادراک و تجربه فضای شهری را بررسی کرده‌اند، ترجیحات و تجربه استفاده‌کنندگان از فضاهای شهری غالباً وابسته به پیشینه فرهنگی و ویژگی‌های فردی ناظر است؛ به طوری که تجربه استفاده‌کنندگان از فضا متأثر



پیرامون توسط افراد می‌شود و واکنش آن‌ها را با توجه به قابلیت‌های محیط در مفیدبودن و پشتیبانی کردن در پی دارد (ثقه‌الاسلامی عمیدالاسلام، ۱۳۹۳).

این نظریه بر این پیش‌فرض بنا شده‌است که مردم، برای برقراری ارتباط با محیط پیرامونشان، دو نیاز پایه دارند؛ فهمیدن محیط (ادراک محیط) و کشف کردن آن. هر کدام از این نیازها می‌توانند به دو نوع از سطوح اطلاعاتی اشاره داشته باشند؛ یکی، آنچه که به سرعت و در یک لحظه قابل درک است و دیگری، آنچه که با حرکت فرد در محیط قابل ادراک می‌شود. به این ترتیب چنانچه دو نیاز پایه، به‌عنوان الزامات برقراری ارتباط با محیط، با دو سطح دریافت اطلاعات تقاطع داده شوند، متغیر شکل می‌گیرند که کاپلان‌ها آن‌ها را متغیرهای اطلاعاتی نامیده‌اند. بر این اساس اقدام به طبقه‌بندی اطلاعات موردنیاز ما کرده و آن را به دو دسته دیگر نیز تقسیم کرده‌اند: مفهومی (منطقی و قابل قبول به نظر رسیدن محیط‌مان) و اکتشافی (کسب اطلاعات بیشتر در آینده نزدیک)؛ همچنین تقسیم اطلاعات می‌توانند براساس اینکه سریع آشکار شده یا می‌توانند استنباطی یا قابل پیش‌بینی باشند، صورت گیرد. این روند به ما چهار نوع مختلف از اطلاعات را ارائه می‌دهد (انسجام، پیچیدگی، خوانایی و رمز و راز) (Kaplan and Kaplan, ۱۹۸۷, ۱۹۸۸) که در جدول ۲ ارائه شده‌است.

از کیفیت‌هایی از فضا هستند که به نیازهای بیولوژیک انسان برای بقا و رشد (به‌عنوان گونه‌ای از موجودات زنده) پاسخ می‌دهند. در تضاد با این رویکرد، در رویکرد فرهنگی، ترجیحات محیطی را به‌عنوان یک علاقه یا عدم‌علاقه فردی یا گروهی بصری تعریف می‌کند (Im, 1984). از طرفی ملاک پژوهش‌هایی که بر مبنای رویکرد ترکیبی بوده‌است؛ ازجمله افرادی همچون بوراسا<sup>۱</sup> (Bourassa, 1990) پیشنهاد نظریه سه‌جزئی است که مبنا را بر تمایز میان مدل‌های زیست‌شناختی، فرهنگی و فردی در تجربه شهر و ترجیحات می‌گذارد، بوراسا معتقد است که مناظر طبیعی اصولاً از طریق مدل‌های زیست‌شناختی تجربه و درک می‌شوند؛ بنابراین بیشتر به الگوهای جهانی ترجیحات اشاره دارند و در مقابل فضاهای شهری اصلاح‌شده به احتمال زیاد از طریق مدل‌های فرهنگی قابل درک هستند؛ به‌همین دلیل تمایزات در ترجیحات نیز شدت بیشتری برخوردارند (bitar, 2004).

ازجمله پژوهش‌های تأثیرگذار در حوزه نظری و عملی که چهار شاخص انسجام (فهم سریع‌یابی درنگ)، پیچیدگی (کشف سریع‌یابی درنگ)، خوانایی (فهم استنباطی) و رازآمیزی (کشف استنباطی) را مطرح می‌کند؛ نظریه کاپلان‌ها با عنوان عوامل پیش‌بینی‌کننده ترجیحات محیطی است و با توجه به اینکه، این پژوهش با رویکرد تکاملی انجام می‌شود، نظریه کاپلان لنز مطالعاتی این پژوهش محسوب می‌شود.

از نظر کاپلان‌ها این چهار عامل اطلاعاتی انسجام، پیچیدگی، خوانایی و رازآمیزی ابزاری را برای ارزیابی ترجیحات فراهم می‌کنند. به زعم کاپلان‌ها می‌توان ترجیحات محیطی فرد را نتیجه یک فرایند پیچیده ادراکی در نظر گرفت. فرایندی که شامل ادراک محیط

1. Bourassa

جدول ۲. سطح دسترسی به اطلاعات در نظریه ترجیحات

کاپلان ها

مفهومی	اکتشافی	
انسجام <sup>۲</sup> (آن مقداری که منظره پیوسته به نظر برسد)	پیچیدگی <sup>۱</sup> (میزان غنای اطلاعات منظره)	سریع آشکار شونده (بی واسطه)
خوانایی <sup>۴</sup> (قابلیت پیشگویی منظره و بیشتر اکتشافی)	راز آمیزی <sup>۳</sup> (آن قسمت‌هایی از منظره که نوید اطلاعات چشمگیر اضافی را می‌دهند و بیشتر اکتشافی)	می‌تواند استنباطی یا قابل پیش‌بینی باشد

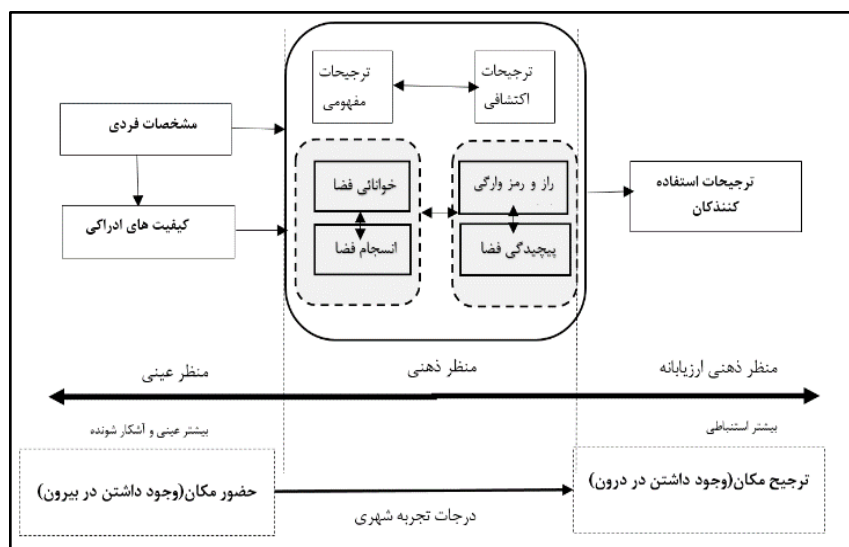
(منبع: Kaplan and Kaplan, 1987-1988)

تأثیرگذار باشد (cosmides & barkow, 1992; van den berg et al., 1998, bittar, 2004) مجموع عوامل کالبدی و غیر کالبدی مؤثر در ترجیحات محیطی و به تبع تجربه مکان در نمودار ۲ نشان داده شده است. یکپارچگی (انسجام)، پیچیدگی و رمزآلودگی، خوانایی ویژگی‌هایی است که اطلاعات مربوط به محیط را به ما می‌رساند و به مردم کمک می‌کند که ترجیح خود را نسبت به محیط‌های فیزیکی خاص نشان دهند. برای شناخت سریع محیط، یکپارچگی (اینکه محیط دارای معنی باشد) و پیچیدگی آن (اینکه انسان را برای درگیری با محیط تشویق کند) مهم است.

### چارچوب نظری پژوهش

مروری بر مبانی نظری و پژوهش‌های صورت گرفته گویای این است که ترجیحات مردم در خصوص اصولی چون نظم، انسجام، خوانایی، پیچیدگی و مانند این با اندکی تغییر، از یک منحنی با اکثریت نزدیک به متوسط پیروی می‌کنند؛ بنابراین همان‌گونه که گفته شد، در خصوص عوامل کالبدی مؤثر بر ترجیحات، می‌توان تا حدود زیادی به معیارها و شاخص‌هایی که متخصصان نیز غالباً بر آن‌ها تأکید می‌ورزند، تکیه کرد. اما آنچه همواره محل افراق است، عوامل غیر کالبدی فضای شهری است که عموماً در خصوص چگونگی تعریف و ادراک آن‌ها بین عموم مردم و متخصصان تفاوت‌های معناداری مشاهده می‌شود و نادیده‌انگاشتن همین عوامل است که به عدم تمایل و رغبت مردم نسبت به فضای شهری منجر می‌شود. عوامل جمعیتی و اجتماعی متعددی وجود دارند که می‌توانند بر روی ادراک مردم از فضا و به تبع ترجیحات محیطی

1. Complexity
2. Coherence
3. Mystery
4. Legibility



## نمودار ۲. ارتباط شاخص های مؤثر بر ارزیابی ترجیحات استفاده کنندگان فضا

(منبع: نگارندگان: ۱۳۹۹)

شد) جهت تحلیل ترجیحات استفاده کنندگان از فضاهای شهری اصفهان استفاده شده است. در مدل مفهومی پژوهش (نمودار ۳) سه بُعد اساسی نظریه جک نسر، مدنظر بوده است، (بُعد منظر عینی، بُعد منظر ذهنی و بُعد منظر ارزیابانه) که می تواند فضاهای شهری را در طیفی از تجربه مکان ارزیابی کند و شاخص های هر یک از این ابعاد را بررسی کند. در خوانش منظر ذهنی بر مبنای مدل تحلیلی کاپلان ها در دو گام انجام شده است. در گام نخست، در فضای دو بُعدی (مناظری که در یک لحظه ادراک می شوند) که طی آن دو عامل انسجام و پیچیدگی تحلیل می شوند و در گام بعدی، تجربه فرد از عمیق شدن در منظر و حرکت در آن مورد بررسی قرار گرفته است؛ به همین ترتیب عوامل اکتشافی و مفهومی مطابق با آنچه در مبانی نظری بررسی شد، در مدل مفهومی شاخص شده است.

در مدت زمان طولانی تر خوانایی و رمزآلودگی کشف محیط را برای ناظر متحرک در آن، ترغیب میکند؛ قابل توجه اینکه متغیر پیچیدگی در دو حالت قابل بررسی است: همراه با نظم که غنای بصری منظر را به دنبال دارد و در کنار بی نظمی که می تواند به آشفتگی تعبیر شود (هانوی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). به این ترتیب، در این زمینه بر اهمیت نظم محیط و تأثیر متقابل متغیر انسجام تأکید می شود. در پژوهش هایی که با مبنا قرار دادن رویکرد تکاملی و مدل کاپلان، ترجیحات محیطی افراد را در محیط های طبیعی ارزیابی و بررسی کرده اند. تأثیر متغیر «اسرار آمیز بودن» و «انسجام» بارها ثابت شده است (هرزوغ و کاپلان، ۱۹۸۲؛ ایکمی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵).

با توجه به اهمیت این رویکرد تکاملی در ترجیحات محیطی، در این پژوهش با این رویکرد، مدل مفهومی بر مبنای این مدل های متعارف در این روش (مدلهای کاپلان، نسر و هرزوغ که پیش از این توضیح داده

1. Hanyu  
2. Ikemi



این پژوهش در ۵ فضای شهری اصفهان که در مصاحبه‌های اولیه (تحت عنوان شناسایی فضاهای اصلی شهر اصفهان) صورت گرفت، انجام شده است. ملاک انتخاب فضاها، مقیاس کارکرد آن‌ها در سطح شهر بوده است و با نظرسنجی به روش دلفی و از ۳۴ نفر متخصص شهرسازی پنج فضای شهری شاخص در شهر اصفهان (میدان نقش جهان، میدان امام علی، مجموعه سیتی سنتر، ارگ جهان نما، مجتمع پارک) و با مقیاس عملکرد شهری و با کارکرد تجاری انتخاب شد

(در این پژوهش کیفیت‌های ترجیح فضاهای شهری) مورد تحقیق را به‌دقت مشخص کرد، ۲- شاخص‌ها یا ابزار سنجش را به‌دقت تعیین کرد. ۳- جمعیت نمونه را به‌دقت مشخص کرد، ۴- هر سنج را به جمعیت نمونه ارائه کرد و دو پدیده موردنظر را با توجه به این شاخص نمره‌گذاری کرد، ۵- معدل نمرات به‌دست‌آمده را محاسبه کرد، ۶- کل معدل‌ها در یک جدول جای داده شود، ۷- در پایان، منحنی اندیشه را ترسیم کرد (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۸۳-۱۸۲).



تصویر ۱. موقعیت فضاهای مطالعاتی در شهر اصفهان (تصویر هوایی سال ۹۹)  
 ۱-میدان نقش جهان ۲- میدان امام علی ۳- مجموعه سیتی سنتر ۴- ارگ جهان‌نما ۵- مجتمع پارک  
 (منبع: نگارندگان: ۱۳۹۹)

در این مرحله، برمبنای جدول شاخص‌های استخراج‌شده از مبانی نظری، لیست شاخص‌ها به ۳۴ نفر (همان متخصصان تأثیرگذار بر انتخاب فضاها) از متخصصان داده شد و شاخص‌های موردنظر تدقیق شود. برمبنای نظر متخصصان چند سؤال تکمیلی به پرسشنامه اضافه شد؛ از جمله شاخص زمان مراجعه و میزان ماندگاری در فضا و... در مرحله بعد پرسشنامه

این ۵ فضا به‌عنوان پرمخاطب‌ترین فضاهای شهری-تجاری اصفهان شناخته شده‌اند که موقعیت مکانی مناسبی در سطح شهر اصفهان و حوزه نفوذ این شهر دارند (اطلاعات به تفصیل در جدول ۴ آمده است) و در مرحله بعد به‌منظور تدقیق صفات دوقطبی از نظر متخصصان استفاده شد.

سرشماری رسمی) شهر اصفهان (۱۹۶۱۲۶۰ نفر) با ضریب خطای ۰.۰۶ معادل ۲۶۷ نفر بود که به صورت نمونه‌گیری ساده تصادفی در فضاهای عمومی منتخب انتخاب شدند. به منظور اطمینان در مراحل بعدی به منظور مقایسه داده‌ها در ۵ فضای شهری منتخب، ۳۰۰ پرسشنامه تکمیل شد که ضریب خطای این پژوهش را به حدود ۰.۰۵ کاهش می‌دهد. در پرسشنامه طراحی شده به منظور سنجش اهمیت و تأثیر هریک از صفات دوقطبی مورد نظر بر ترجیحات فضای شهری، پاسخ‌ها به ۵ دسته تقسیم شدند.

اصلاح شده و تنظیم شده بر مبنای طیف لیکرت با صفات دوقطبی به منظور بررسی ترجیحات در سطح شهر توزیع شد (شاخص‌ها و صفات دوقطبی انتخاب شده در جدول ۳ نشان داده شده است). به منظور نزدیک‌تر کردن نتایج حاصل به نظرات جامعه آماری مورد نظر، برای انتخاب حجم نمونه به طیف متنوعی از استفاده‌کنندگان از این ۵ فضا (۳۰۰ نفر که ۱۶۳ نفر زن و ۱۳۷ نفر مرد بوده‌اند) مراجعه شده است. تعداد شرکت‌کنندگان در پژوهش با استفاده از فرمول کوکران و جمعیت سال ۱۳۹۵ (آخرین

جدول ۳. صفات دوقطبی مورد سنجش در شناسایی ترجیحات استفاده‌کنندگان فضا به روش افتراق معنایی

بُعد	شاخص	صفات دوقطبی
فردی	سن	فضاهای با تنوع گروه سنی - با تفکیک گروه سنی
فردی	جنس	فضاهای با تفکیک جنسیتی - تنوع جنسیتی
منظر عینی	وجود فضاهای سبز در فضا	فضاهای طبیعی - فضاهای مصنوعی
منظر ذهنی	ازدحام و نظم فضا	فضاهای شلوغ - فضاهای آرام و ساکت
منظر ذهنی	اهمیت تاریخی (قدمت) فضا	فضاهای بدون پیشینه تاریخی - فضاهای با پیشینه تاریخی
منظر ذهنی	عمومیت فضا	فضاهای عمومی - فضاهای خصوصی
منظر عینی	میزان دسترسی به فضا	فضاهای با دسترسی سواره - با دسترسی پیاده فضاهای دور - فضاهای نزدیک
منظر ذهنی	گشودگی فضا (محصور بودن و تعین فضایی) - انسجام فضا	فضاهای با محصوریت کم (باز) - با محصوریت زیاد (بسته)
منظر ذهنی	خوانایی فضا	فضاهای آشنا - فضاهای بدیع
منظر ارزیابانه	تداعی فضا پیچیدگی فضا	فضاهای رسمی - خودمانی
منظر ارزیابانه	نگهداری فضا	تعاملات اجتماعی در فضا - خلوت کردن در فضا
منظر ارزیابانه	تعاملات در فضا	فضاهای حضور پذیر - فضاهای دنج
منظر ارزیابانه	زمان حضور در فضا	فضاهای شب - فضاهای روز
منظر ارزیابانه	پناه‌دادن فضا (امنیت)	امنیت فضا - ناامنی در فضا
منظر عینی	عملکرد فضا	فضاهای اقتصادی (خرید در فضا) - فضاهای اجتماعی (تعامل در فضا) فضاهای تک‌عملکردی - چندعملکردی

(منبع: نگارندگان: ۱۳۹۹)

از ویژگی‌های منحصر به فرد میدان نقش جهان در مقایسه با سایر فضاهای مورد پرسش؛ امنیت قابل توجه فضا (۳.۲۱) است و استفاده‌کنندگان از فضای میدان نقش جهان علاقه زیاد (۳.۴۶) به فضا را ابراز کرده‌اند و لذت از فضا (۳.۳۶) را اعلام داشته و پاسخگویی به توقعات (۳.۷۳) را قابل قبول دانسته و ماندگاری قابل قبولی (۳.۴۴) در این فضا دارند. در مجموع رضایتی نسبی از فضا دارند و با شاخص ۵.۳۳ از فضا راضی هستند.

**میدان امام علی:** در بررسی صفات دوقطبی در میدان امام علی، شاخص‌های ترجیح استفاده‌کنندگان از فضای میدان امام علی اصفهان به نسبت چهار فضای دیگر متفاوت‌تر است. کیفیت‌های مورد ترجیح در میدان امام علی عبارت‌اند از: فضاهای با تفکیک گروه سنی، فضاهای تفکیک جنسیتی، فضاهای طبیعی، فضاهای شلوغ، فضاها با دسترسی پیاده، فضاهای نزدیک، فضاها با محصوریت کم (باز)، فضاهای آشنا و بدیع نیز تفاوتی ندارد، فضاهای رسمی، تعاملات اجتماعی در فضا، فضاهای سرزنده و حضورپذیر، استفاده از فضا در شب، فضاهای چندعملکردی است و فعالیت اقتصادی و اجتماعی بر ترجیحات مؤثر نبوده است.

سپس از افراد خواسته شد تا به ویژگی‌های فضایی‌ای که ترجیح می‌دهند، در مقایسه ویژگی‌های مخالف آن دست به انتخاب بزنند و در یکی از ۵ خانه علامتی به نشانه ترجیح بیشتر بزنند.

روایی پرسشنامه‌ها با مراجعه به صاحب‌نظران و متخصصان و دریافت نظرات آن‌ها درباره مفاهیم و پرسش‌های تدوین شده کنترل و برای کنترل اعتماد یا پایایی سؤال‌های پرسشنامه، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که معادل ۰.۸۳ بود بیشتر بودن آن از معیار ۰.۷ در روش کرونباخ، نشان‌دهنده پایایی مطلوب پرسشنامه و همبستگی درونی سؤال‌ها است.

در ادامه پژوهش به منظور بررسی ترجیحات شهروندان، پرسشنامه‌ها در ۵ فضای شهری با کارکرد تجاری توزیع گشته و در نهایت ۶۰ پرسشنامه در هریک از فضاها (مجموعاً ۳۰۰ پرسشنامه) تکمیل شد. در نتیجه اطلاعات اولیه، میانگین سنی مصاحبه‌شوندگان ۲۹.۹۷ (۳۰) سال است.

### یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از تکمیل پرسشنامه‌های افتراق معنایی در فضاهای شهری اصفهان، به تفکیک هر فضا معدل گیری شده‌اند و معدل آن‌ها مطابق با اعداد جدول ۴ ارائه شده است و در نهایت به تفکیک هر فضا، ترجیحات و گرایش‌ها توضیح داده شده‌اند و نمودارهای اندیشه در هریک از فضاها ترسیم شده است.

**میدان نقش جهان:** کیفیت‌های مورد ترجیح در میدان نقش جهان عبارت‌اند از: فضاهای با تنوع گروه سنی، فضاهای تنوع جنسیتی، فضاهای طبیعی، فضاهای شلوغ، فضاها با دسترسی پیاده، فضاهای نزدیک، فضاها با محصوریت کم (باز)، فضاهای آشنا، فضاهای رسمی، تعاملات اجتماعی در فضا، فضاهای سرزنده و حضورپذیر، استفاده از فضا در روز، فضاهای اجتماعی و فضاهای چندعملکردی است.





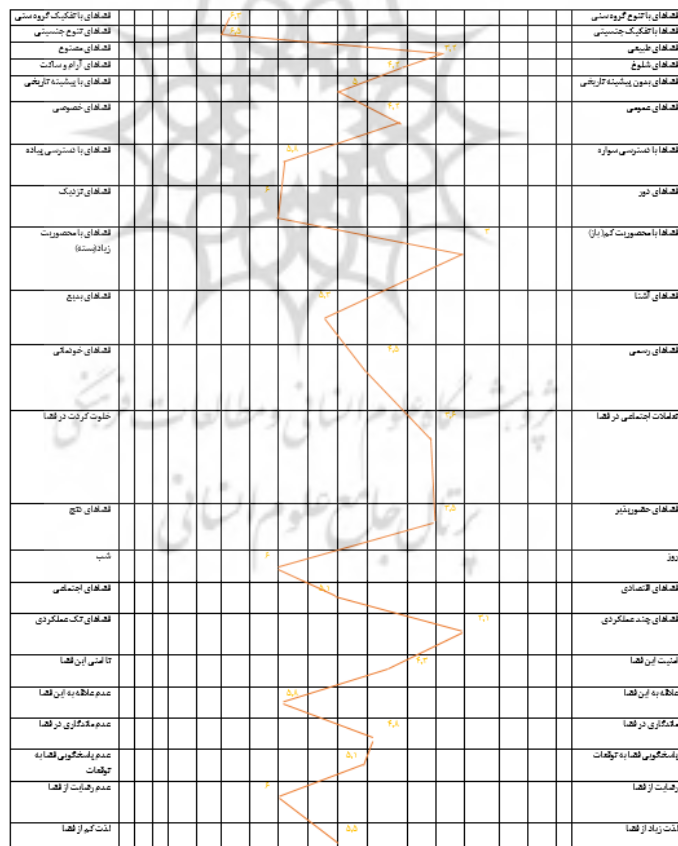
۵.۸	۶	۵.۳	۶.۳	۳.۸۹	فضاهای با تنوع گروه سنی
					فضاهای با تفکیک گروه سنی
۷.۱۳	۵.۵۱	۶.۹	۶.۵	۵.۷	فضاها با تفکیک جنسیتی
					فضاهای تنوع جنسیتی
۲.۷۶	۲.۸۹	۲.۱	۳.۲	۲.۹۸	فضاهای طبیعی
					فضاهای مصنوع
۳.۲	۵.۲۱	۲.۶۴	۴.۲	۲.۹۶	فضاهای شلوغ
					فضاهای آرام و ساکت
۵.۳۲	۶.۲۶	۵.۹	۵	۳.۷۳	فضاهای بدون پیشینه تاریخی
					فضاهای با پیشینه تاریخی
۵.۴	۳	۵	۴.۲	۲.۷	فضاهای عمومی
					فضاهای خصوصی
۴.۹	۴.۸	۲.۷	۵.۸	۶.۸	فضاهای با دسترسی سواره
					فضاهای با دسترسی پیاده
۵.۳	۵.۱	۵.۸	۶	۷.۲	فضاهای دور
					فضاهای نزدیک
۳.۴	۳.۲۱	۳	۳	۳.۴۶	فضاها با محصوریت کم (باز)
					فضاهای با محصوریت زیاد (بسته)
۵.۲	۲.۲۳	۵.۸	۵.۳	۲.۲۸	فضاهای آشنا
					فضاهای بدیع
۳.۸۶	۴.۵۶	۳.۱۴	۴.۵	۳.۳۶	فضاهای رسمی
					فضاهای خودمانی
۴.۰۶	۲.۵۷	۳.۵	۳.۶	۴.۳۳	تعاملات اجتماعی در فضا
					خلوت کردن در فضا
۴.۱۳	۳.۵۴	۳.۰۵	۳.۵	۳.۲۱	فضاهای سرزنده و حضورپذیر
					فضاهای دنج و آرام
۵.۸۳	۴.۰۵	۶.۱	۶	۴.۶۹	روز
					شب
۵.۲	۴.۲۹	۶	۵.۱	۶.۰۹	فضاهای اقتصادی (خرید در فضا)
					فضاهای اجتماعی (تفریح و تعاملات در فضا)
۳.۵۳	۳.۹	۲.۵	۳.۱	۳.۵	فضاهای چندعملکردی
					فضاهای تکعملکردی
۳.۸۷	۴.۷	۲.۱۸	۴.۳	۳.۲۱	امنیت این فضا
					ناامنی این فضا
۴.۶۶	۵.۶۱	۳.۷۳	۵.۸	۳.۴۶	علاقه به این فضا
					عدمعلاقه به این فضا
۵.۰۳	۶.۰۵	۵.۰۹	۴.۸	۳.۴۴	ماندگاری در فضا
					عدمماندگاری در فضا

۴.۳۶	۴.۴۹	۳.۲	۵.۱	۳.۷۳	پاسخگویی فضا به توقعات
					عدم پاسخگویی فضا به توقعات
۴.۰۳	۶.۲۷	۳.۸۲	۶	۵.۳۳	رضایت از فضا
					عدم رضایت از فضا
۴.۷	۵.۶۱	۳.۷۳	۵.۵	۳.۳۶	لذت زیاد از فضا
					لذت کم از فضا

(منبع: نگارندگان: ۱۳۹۹)

(۵.۸) و عدم لذت از فضا (۵.۵) اظهار ناراحتی کرده‌اند و با توجه به عدم پاسخگویی به توقعات (۵.۱) این فضا غیرقابل قبول‌ترین فضا از بین ۵ فضای مورد تحقیق است؛ البته ماندگاری نسبی (۴.۸) در این فضا دارند. در مجموع عدم رضایت از فضا را اظهار داشته‌اند و با شاخص (۶) از فضا ناراضی هستند.

همه اعداد و مقادیر این جدول میانگین حاصل از طیف لیکرت است و عدد کوچک‌تر به معنای نزدیکی به صفت اول است. از ویژگی‌های منحصر به فرد میدان امام علی در مقایسه با سایر فضاهای مورد پرسش، امنیت فضا (۴.۳) است که نسبت به سایر فضاها کمتر است و استفاده‌کنندگان از فضای میدان امام علی از عدم علاقه به فضا با شاخص

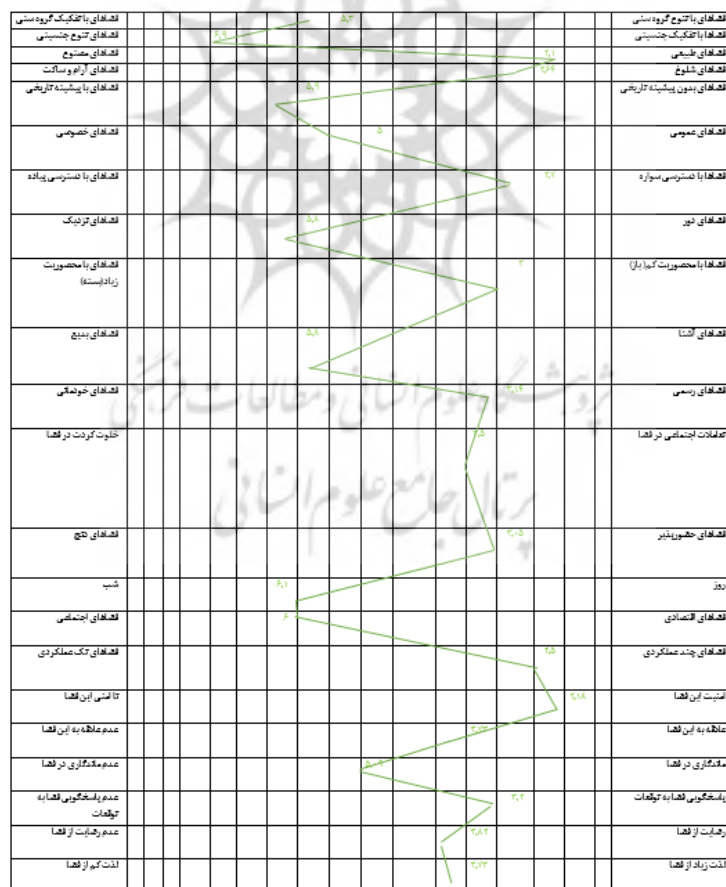


نمودار ۵. نمودار اندیشه در ارزیابی ترجیحات شهروندان در میدان امام علی (۱۳۹۸)

(منبع: نگارندگان: ۱۳۹۸)

فضاهای چندعملکردی است و فعالیت اجتماعی فضا، عوامل ترجیح یک فضا است. از ویژگی‌های منحصر به فرد مجموعه سیتی سنتر در مقایسه با سایر فضاهای مورد پرسش امنیت زیاد این فضا (۲۰۱۸) نسبت به سایر فضاها است که در مجموع استفاده کنندگان از فضای مجموعه سیتی سنتر از علاقه زیاد به فضا با شاخص (۳۰۷۳) (کمی کمتر از میدان نقش جهان) و لذت بالا از فضا (۳۰۷۳) و همچنین پاسخگویی قابل قبول به توقعات (۳۰۲). این فضا بالاترین سطح پاسخگویی به توقعات را داشته است، ماندگاری در این فضا (۵۰۹) نسبی است و در مجموع رضایت (۳۰۸۲) از فضای مجموعه سیتی سنتر از ۴ فضای دیگر بیشتر است.

مجموعه سیتی سنتر: در مجموعه سیتی سنتر، ترجیح استفاده کنندگان از فضای مجموعه سیتی سنتر به استفاده از فضاهایی با تفکیک گروه‌های سنی اظهار علاقه کرده‌اند و تنوع جنسیت مورد ترجیح استفاده کنندگان از این فضا بوده است. کیفیت‌های مورد ترجیح در مجموعه سیتی سنتر عبارت‌اند از: فضاهای با تنوع گروه سنی، فضاهای تنوع جنسیتی، فضاهای طبیعی، فضاهای شلوغ، فضاها با دسترسی سواره، فضاهای نزدیک، فضاها با محصوریت کم (باز)، فضاهای بدیع و جدید را ترجیح داده‌اند که این خود عاملی برای موفقیت این فضا نسبت به سایر فضاها است. فضاهای رسمی، تعاملات اجتماعی در فضا، فضاهای سرزنده و حضورپذیر، استفاده از فضا در شب،



نمودار ۶. نمودار اندیشه در ارزیابی ترجیحات شهروندان در مجموعه سیتی سنتر (۱۳۹۸)

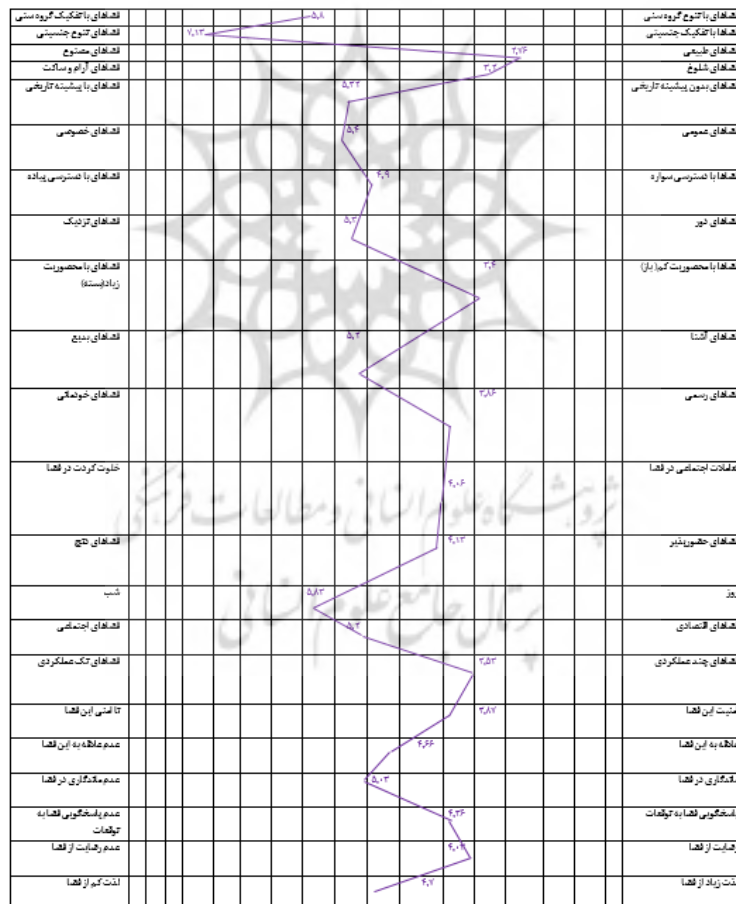
(منبع: نگارندگان: ۱۳۹۸)



نزدیک، فضاها با محصوریت کم (باز)، فضاها بدیع، فضاها رسمی، تعاملات اجتماعی در فضا، فضاها سرزنده و حضورپذیر، استفاده از فضا در شب، فضاها چندعملکردی است و فعالیت اقتصادی فضا، عوامل ترجیح یک فضا است.

ماندگاری نسبی در این فضا (۵.۰۳) و در مجموع رضایت خوب (۴.۰۳) از فضا، این فضا را نه به اندازه میدان نقش جهان و مجموعه سیتی سنتر در اولویت قرار می دهند و نه به اندازه میدان امام علی و مجموعه ارگ جهان نما طرد می کنند.

**مجتمع پارک:** در بررسی صفات دوقطبی در مجتمع پارک، در مجموع کیفیت‌های مورد ترجیح در مجموعه پارک اصفهان عبارت‌اند از: فضاها با تفکیک گروه سنی، فضاها تنوع جنسیتی، فضاها طبیعی، فضاها شلوغ، فضاها با دسترسی سواره، فضاها از ویژگی‌های منحصربه‌فرد مجموعه مجتمع پارک در مقایسه با سایر فضاها مورد پرسش، امنیت خوب این فضا (۳.۸۷) نسبت به سایر فضاها است که در مجموع استفاده‌کنندگان از فضای مجموعه مجتمع پارک از علاقه نسبی به فضا با شاخص (۴.۶۶) و نسبی از فضا (۴.۷) و همچنین پاسخگویی نسبی به توقعات (۴.۳۷)،



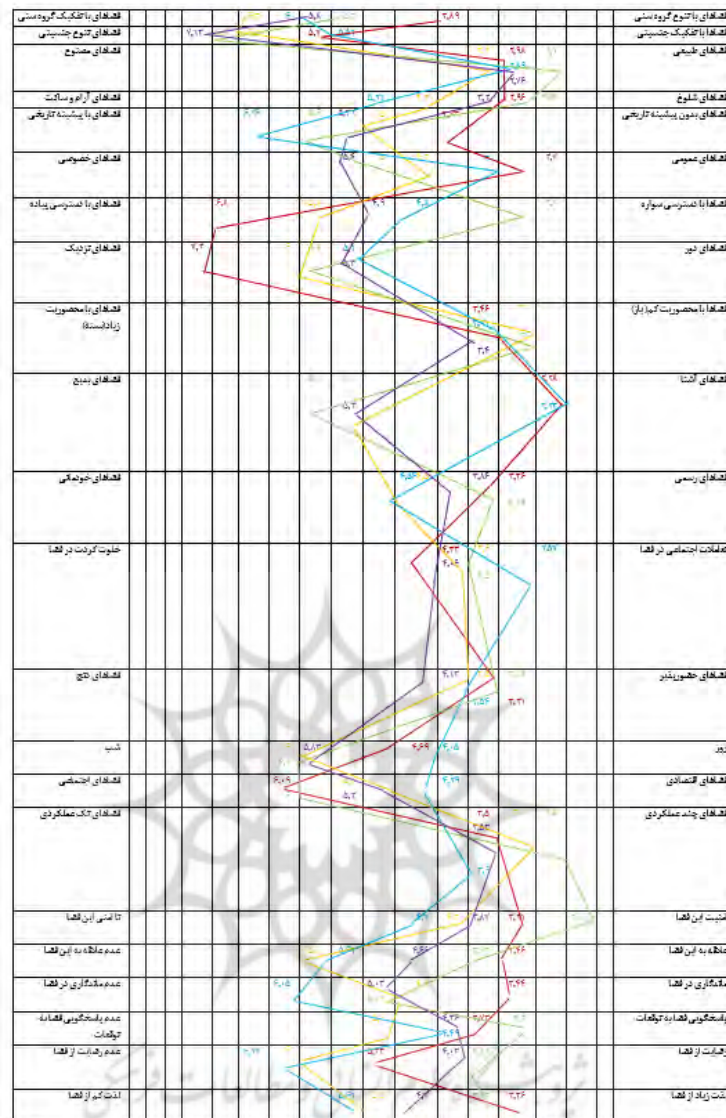
نمودار ۸. نمودار اندیشه در ارزیابی ترجیحات شهروندان در مجتمع پارک (۱۳۹۸)  
(منبع: نگارندگان: ۱۳۹۸)

## بحث و تحلیل

ترجیحات عینی مردم برخاسته از ایده‌های زیبایی‌شناسانه است که با هنجارهای اجتماعی آمیخته شده و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و عوامل فرهنگی و اجتماعی بر روی ترجیحات اثر می‌گذارند. چندین مطالعه بین‌فرهنگی که ترجیحات محیطی را بررسی کرده‌اند، نشان داده‌اند که عموماً بر خلاف تفاوت‌های فرهنگی، مردم ترجیحات مشابهی برای فضاهای شهری معین دارند. هرچند مفاهیم تجربه و آشنابودن می‌تواند ترجیحات مردم با فرهنگ‌های مختلف تأثیر گذارد. آشنابودن نقش مهمی را در ایجاد حس ایمنی و امنیت دارد. افراد در محیط‌های آشنا احساس آرامش و راحتی بیشتری دارند. از طرف دیگر آشنایی بیش از حد با یک محیط می‌تواند کسل‌کننده باشد و فرد در این حالت نیاز به موضوعات تازه‌تری داشته باشد.

در این پژوهش ترجیحات در ۵ فضای متفاوت با یکدیگر مقایسه شده‌اند. در یک جمع‌بندی کلی و در راستای استفاده از نتایج برای پیشنهاد مکانی-فضایی آینده و همچنین تقویت این ۵ فضای بررسی شده می‌توان گفت فضاهای مورد ترجیح استفاده‌کنندگان در شهر اصفهان به ترتیب میدان نقش جهان، مجموعه سیتی سنتر، مجتمع پارک اصفهان، ارگ جهان‌نما و میدان امام علی است. در بررسی صفات دوقطبی در فضاهای شهری اصفهان با عملکرد غالباً تجاری می‌توان گفت: ترجیح استفاده‌کنندگان از فضاهای شهری اصفهان به استفاده از فضاهایی با تنوعی از گروه سنی و تنوعی از جنسیت بوده‌است و به فضاهایی که جداسازی‌های جنسی و سنی در آنها صورت می‌گیرد، عدم تمایل نشان دادند؛ درعین حال همان‌گونه که در نمودار اندیشه مقایسه‌ای در ۵ فضا (نمودار ۹) نشان داده شده‌است، ترجیح فضاهای طبیعی در مقابل فضاهای مصنوع بسیار قابل توجه و

فضا با محصوریت کم (باز) در اولویت است. در ترجیح میان فضاهای عمومی و خصوصی، فضاهای عمومی ترجیح داده شدند؛ درحالی‌که بین فضای شلوغ و فضای آرام با نسبت برابر تمایل کمی به فضاهای آرام و دنج داشتند. فضاها با دسترسی سواره و پارکینگ را دارای اولویت دانسته، در حالی که تمایل به استفاده از فضاهای نزدیک را ترجیح می‌دهند. خلوت‌کردن در فضا را بر ایجاد تعامل و گفت‌وگو با سایرین ترجیح می‌دهند و فضاهای خودمانی را از ویژگی‌های مثبت فضا می‌دانند. این در حالی است که فضاهای حضورپذیر را جذاب‌تر معرفی کرده‌اند. درنهایت رفتارهای اجتماعی با اولویت کمی بر رفتارهای اقتصادی، از جمله خرید، ترجیح دارد.



راهنما: میدان نقش جهان، میدان امام علی، مجموعه سیتی سنتر، ارگ جهان نما، مجتمع پارک نمودار ۹. نمودار اندیشه در ارزیابی ترجیحات شهروندان در فضاهای شهری اصفهان (۱۳۹۸)  
(منبع: نگارندگان: ۱۳۹۸)

فضاهای دنج، روز، فضاهای اجتماعی و فضاهای چندعملکردی.

### نتیجه گیری و پیشنهاد

در این پژوهش از روش کیفی نظرسنجی مبتنی بر طیف های گزینه ای و تکنیک افتراق معنایی استفاده

درمجموع کیفیت های مورد ترجیح در فضاهای شهر اصفهان فارغ از مکان مشخص عبارت اند از: فضاهای با تنوع گروه سنی، فضاهای تنوع جنسیتی، فضاهای طبیعی، فضاهای آرام و ساکت، فضاها با دسترسی سواره، فضاهای نزدیک، فضاها با محصوریت کم (باز)، فضاهای آشنا، فضاهای خودمانی، خلوت کردن در فضا،

شده است تا درک عمومی و ترجیحات مربوط به فضاهای شهری اصفهان سنجیده شود.

سه بُعد اساسی در مدل مفهومی پژوهش مدنظر بوده است (بُعد منظر عینی، بُعد منظر ذهنی و بُعد منظر ارزیابانه) که در نهایت می‌توان نتایج حاصل از ترجیحات شهروندان را در هر ۳ بُعد مورد سنجش قرار داده و بر این مبنای تجربه مکان را در هر یک از این فضاها در یک مقایسه تطبیقی بررسی کرد.

از مجموع شاخص‌های ارزیابی شده (۱۶ شاخص) ۳ اولویت‌بندی در جهت تأمین کیفیت‌های مکانی در راستای دستیابی به تجربه جمعی در محیط‌های شهر یو استفاده از مشارکت مردمی در مدیریت شهری ارائه شده است.

پیشنهاد‌های اولویت اول: تأمین شاخص‌های شکل‌دهنده به منظر ذهنی فضا هستند. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: نگهداری مناسب از فضا، تعاملات در فضا، انتخاب زمان مناسب برای حضور در فضا و امنیت فضا که از جمله شاخص‌های منظر ارزیابانه شهر هستند که مطابق آنچه در طیف تجربه مکان مطرح شد، هر چقدر شاخص‌های منظر ارزیابانه در فضا قوی‌تر باشند، فضای شهری مورد ترجیح بیشتری واقع می‌شود. در میان این شاخص‌ها، شاخص امنیت فضا مؤثرترین عامل در شکل‌گیری تجربه مکان در فضاهای شهری مطالعاتی بوده است که تلاش در جهت رفع ضعه‌های موجود در این زمینه به‌ویژه در میدان امام علی و ارگ جهان‌نما تأثیر بسزایی در تغییر وضعیت این فضاها خواهد داشت.

پیشنهاد‌های اولویت دوم: تأمین شاخص‌های شکل‌دهنده به منظر ذهنی فضا هستند. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: اهمیت تاریخی فضا، ازدحام- نظم فضا، عمومیت فضا، انسجام فضا، خوانایی فضا، تداعی فضا و پیچیدگی فضا که در این بین در نتیجه نهایی تجربه جمعی در ۵ فضا شاخص خوانایی فضا اهمیت

دوچندانی داشته است. شاخصی که در مجموعه ارگ جهان‌نما به شدت با مشکل مواجه است و بعد از آن مجموعه سیتی سنتر علی‌رغم قوت‌های زیاد در سایر زمینه‌ها از این لحاظ ضعیف است.

پیشنهاد‌های اولویت سوم: تأمین شاخص‌های شکل‌دهنده به منظر عینی فضا هستند، شاخص‌های دسترسی به فضا، طبیعی بودن فضا، گشودگی فضا (محصول بودن و تعین فضایی) و عملکرد فضا که در زمره کیفیت‌های منظر عینی فضا هستند و بیشترین توجه جامعه متخصصان را به خود اختصاص داده‌اند؛ در حالی که طبق این پژوهش به جز تأثیر عامل طبیعی بودن به‌عنوان مهم‌ترین شاخص، الباقی شاخص‌ها در اولویت سوم ترجیحات محیطی ایفای نقش می‌کنند.

بر مبنای امتیازات فضاهای شهری اصفهان در این پژوهش روشن شد که میدان نقش جهان ایجادکننده تجربه جمعی در بین فضاهای شهری اصفهان است و سایر فضاها به ترتیب مجموعه سیتی سنتر، مجتمع پارک اصفهان، ارگ جهان‌نما و میدان امام علی سطح بیشتری از تجربه آنی را رغم می‌زنند و در پاسخگویی به ترجیحات محیطی استفاده‌کنندگان تأثیر کمتری داشته‌اند. به‌گونه‌ای که بر مبنای مبانی نظری ارائه شده، در فضای میدان امام علی افراد صرفاً حضور فیزیکی در فضا را تجربه می‌کنند و به‌عبارتی دیگر، وجود داشتن در بیرون و بیرون بودن بی‌طرفانه است. این در حالی است که ترجیح فضای میدان نقش جهان گواه از تجربه وجود داشتن در درون و درون بودن مسئولانه است. با بررسی دقیق‌تر در امتیاز شاخص‌های هر یک از فضا و در مقایسه با مجموع امتیازات، نتیجه گرفته می‌شود که شاخص طبیعی بودن (وجود فضای سبز)، شاخص گشودگی فضایی و تمایل به فضای باز، چندعملکردی بودن نتایج همسویی را در ترجیحات محیطی شکل داده‌اند. در نهایت شاخص حضورپذیری، تعاملات



خمر، غلامعلی؛ میرشکاری، محمدعلی؛ امیری نژاد، مینا؛ کیانی، اکبر. (۱۳۹۳). ارزیابی ترجیحی شهروندان نسبت به پارک‌های شهری نورآباد براساس رویکردهای جغرافیایی (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی). جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای، شماره ۱۲، ۱۱۳-۱۳۴.

[https://gaij.usb.ac.ir/article\\_1670.html?lang=fa](https://gaij.usb.ac.ir/article_1670.html?lang=fa)

رفیعیان، مجتبی؛ عسگری، علی؛ عسگری زاده، زهرا. (۱۳۸۸). علوم محیطی، سال هفتم، شماره ۱.

[https://envs.sbu.ac.ir/article\\_۹۸۸۸۰.html](https://envs.sbu.ac.ir/article_۹۸۸۸۰.html)

رفیعیان، مجتبی؛ نسترن، مهین؛ عزیزپور، سولماز. (۱۳۹۲). ارزیابی رضایت‌مندی از کیفیت فضای شهری با توجه به متغیر جنسیت. مجله مطالعات زنان، سال یازدهم، شماره ۴.

<https://dx.doi.org/10.22051/jwsps.2014.1466>

رفیعیان، مجتبی؛ مسعودی‌راد، ماندانا؛ رضائی، مریم. مسعودی‌راد، مونا. (۱۳۹۳). جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای، شماره ۱۲، ۱۳۵-۱۵۰.

doi: 10.22111/gaij.2014.1671

رلف، ادوارد. (۱۳۸۹). مکان و بی‌مکانی. ترجمه زهیر متکی، محمدرضا نقصان‌محمدی، کاظم مندگاری، تهران: انتشارات آرمان‌شهر.

ساروخانی، باقر. (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

شاهین‌راد، مهنوش؛ رفیعیان، مجتبی؛ پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۹۴). ارزیابی ترجیحات بصری زنان از فضاهای شهری تهران. فصلنامه تازه‌های علوم‌شناختی، سال هفدهم، شماره ۱.

[magiran.com/p1402592](http://magiran.com/p1402592)

کاظمی، عباس. (۱۳۹۴). پرسه‌زنی و زندگی روزمره ایرانی: تاملی بر مصرف مراکز خرید. انتشارات فرهنگ جاوید.

گلچین، پیمان؛ ناروئی، بهروز؛ مثنوی، محمدرضا. (۱۳۹۱). ارزیابی کیفیت بصری فضاهای آموزشی براساس ترجیحات استفاده‌کنندگان (مطالعه موردی: دانشگاه سیستان و بلوچستان). محیط‌شناسی، سال سی‌وهشتم، شماره ۶۲، صص ۱۳۵-۱۵۰.

doi: 10.22059/jes.2012.29109

اجتماعی و امنیت به ترتیب از مهم‌ترین شاخص‌ها در تجربه مکان بوده‌است.

در نهایت، به جهت افزایش تجارب جمعی شهروندان و ملحوظ‌داشتن ترجیحات شهروندان می‌توان بیان داشت که از میان ابعاد مطرح‌شده شاخص‌های مطرح در بُعد ارزیابانه فضا (شاخص امنیت، نگهداری مناسب از فضا، تعاملات در فضا و انتخاب زمان مناسب برای حضور در فضا) منجر به ترجیح فضا می‌شود؛ هرچند شاخص‌های منظر ذهنی (از جمله شاخص خوانایی، اهمیت تاریخی فضا، ازدحام- نظم فضا، عمومیت فضا، انسجام فضا، تداعی فضا و پیچیدگی فضا) و شاخص‌های منظر عینی (از جمله شاخص وجود عناصر طبیعی و سبز، دسترسی به فضا، گشودگی فضا (محصول بودن و تعیین فضایی) و عملکرد فضا) نیز لازمه ترجیح یک فضای شهری است. در ادامه این پژوهش می‌توان به تحلیل‌های عمیق‌تری پرداخت که در ظرفیت این مقاله نمی‌گنجد؛ از جمله دلایل ترجیح استفاده‌کنندگان نسبت به مجموعه سیتی‌سنتر اصفهان به عنوان یک فضای تجاری نوظهور که علی‌رغم فاصله زیاد با مرکز شهر و دسترسی محدود همچنین نقدهای مبنی بر فضاهای خصوصی عمومی شده از جمله تغییر شکل مصرف فضایی و... در رتبه دوم از نظر ترجیح فضا و حضور مسئولانه مردم در فضا قرار دارد و نتایج این پژوهش سؤالات و مسائل جدیدی در ذهن پژوهشگر خلق کرده‌است.

## منابع

پورتئوس، داگلاس جی. (۱۳۹۱). زیبایی‌شناسی محیط‌زیست و معماری منظر. ترجمه لیلیا آقاداتاشی، تهران: انتشارات کلهر.

تقه‌الاسلامی عمید الاسلام؛ کلاته رحمانی اسماعیل. (۱۳۹۳). ترجیح یک فضای پیاده‌مدار الگویی جدید در توسعه فضاهای شهری پیاده. کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی.

[https://www.civilica.com/Paper-CONFUCIAN01-CONFUCIAN01\\_152.htm](https://www.civilica.com/Paper-CONFUCIAN01-CONFUCIAN01_152.htm)

- Hanyu K. (2000), Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas Daylight. *Journal of Environmental Psychology*, 20:273-84.
- <https://www.semanticscholar.org/paper/VISUAL-PROPERTIES-AND-AFFECTIVE-APPRAISALS-IN-AREASHanyu/1e4051d63b6945faf0907cbf4a2b8a1fb10cd66f>
- Herzog TR, Kaplan S, Kaplan R. (1976), the Prediction of Preference for Familiar Urban Places. *Environment and Behavior*, 8(4):627-45.
- <http://hdl.handle.net/2027.42/67003>
- Herzog TR, Kaplan S, Kaplan R. (1982), the Prediction of Preference for Unfamiliar Urban Places. *Environment and Behavior*, 5(1):43-59.
- <https://doi.org/10.1007/BF01359051>
- Herzog T. RA. (1992), A Cognitive Analysis of Preference for Urban Spaces. *Journal of Environmental Psychology*, 12:237-48
- [https://doi.org/10.1016/S0272-4944\(89\)80024-6](https://doi.org/10.1016/S0272-4944(89)80024-6)
- Ikemi M. (2005), the effects of mystery on preference for residential facades. *Journal of Environmental Psychology*, 25-73:167.
- <http://dx.doi.org/10.1016/j.jenvp.2005.04.001>
- Im, s. (1984). Visual preference in enclosed urban space. An exploration of a scientific approach to environmental design, *environment and behavior*, 16(2): 235- 262.
- <https://doi.org/10.1177%2F0013916584162005>
- Kaplan R, Kaplan S. (1989), the Experience of Nature: A Psychological Perspective. New York: Cambridge University Press.
- <http://willsull.net/resources/270-Readings/ExpNature1to5.pdf>
- Kaplan S. (1987), Aesthetics, Affect, and Cognition: Environmental Preference from an Evolutionary Perspective. *Environment and Behavior*, 19(1):3-32.
- <https://doi.org/10.1177%2F0013916587191001>
- Lyons, E. (1983), Demographic Correlates of Landscape Preference, *Environment and Behavior*, 15 (4):487-511.
- <https://doi.org/10.1177/0013916583154005>
- Norton. B, Costanza R, Bishop RC (1998). The evolution of preferences; why 'sovereign' preferences may not lead to sustainable policies and what to do about it. *Ecological Economics*, 24:193\_211.
- <https://EconPapers.repec.org/RePEc:eee:ecolec:v:24:y:1998:i:2-3:p:193-211>
- نسر، جک.ال. (۱۳۹۳). تصویر ذهنی ارزیابانه از شهر (۱۹۹۸). ترجمه مسعود اسدی محل چالی. تهران: نشر ثمین.
- Barkow, J. H., Cosmides, L., & Tooby, J. (Eds.). (1992). *The adapted mind: Evolutionary psychology and the generation of culture*. Oxford University Press.
- [https://www.researchgate.net/publication/268001320\\_Evolutionary\\_psychology\\_Conceptual\\_foundations](https://www.researchgate.net/publication/268001320_Evolutionary_psychology_Conceptual_foundations)
- Bernaldez, F. G. Abello R. P. & Gallardo, D. (1989). Environmental challenge and environmental preference: age and sex effects. *Journal of environmental management*, 28(1), 53-70.
- [https://www.researchgate.net/publication/279901188\\_Environmental\\_challenge\\_and\\_environmental\\_preference\\_age\\_and\\_sex\\_effects](https://www.researchgate.net/publication/279901188_Environmental_challenge_and_environmental_preference_age_and_sex_effects)
- Bourassa s c. (1990), a Paradigm for Landscape Aesthetics, *Environment and Behavior*, 22, 6787-812. , First Published Nov 1, 1990.
- <https://doi.org/10.1177%2F0013916590226004>
- Bitar, h. (2004), public aesthetic preferences and efficient water use in urban. The University of Melbourne, faculty of architecture, building and planning. [https://minerva-access.unimelb.edu.au/bitstream/handle/11343/38880/66072\\_00000783\\_02\\_thesis.pdf?sequence=1](https://minerva-access.unimelb.edu.au/bitstream/handle/11343/38880/66072_00000783_02_thesis.pdf?sequence=1)
- Colombo, b. Laddaga, s. Antonietti, a. (2015). Psychology and design. The influence of the environment's representation over emotion and cognition. An ET study on Ikea design, 6th International Conference on Applied Human Factors and Ergonomics (AHFE 2015) and the Affiliated Conferences, AHFE 2015, Published by Elsevier B.V. This is an open access article under the CC BY-NC-ND license.
- <http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>
- Dearden P. (1984), Factors influencing landscape preferences: an empirical investigation. *Landscape Planning*, 11: 293-306.
- [https://doi.org/10.1016/0304-3924\(84\)90026-1](https://doi.org/10.1016/0304-3924(84)90026-1)
- Falk J. H, Balling, J. D. (2010), Evolutionary Influence on Human Landscape Preference, *Environment and Behavior* 42 (4): 479-493
- <https://doi.org/10.1177%2F0013916509341244>
- Green R. (1999), Meaning and Form in Community Perception of Town Character. *Journal of Environmental Psychology*; 19-29: 311.
- <https://doi.org/10.1006/jevp.1999.0143>

- multilevel approach. *Journal of environmental psychology*, 18(2): 141- 157.
- <https://doi.org/10.1006/jevp.1998.0080>
- Van Dongen و Robert P Timmermans و Harry J.P. (2019). Preference for different urban greenscape designs: A choice experiment using virtual environments, *Urban Forestry & Urban Greening*, 44.
- <https://doi.org/10.1016/j.ufug.2019.126435>.
- McKechnie, G. E. (1977). Simulation techniques in environmental psychology. In D. Stokols (Ed.), *Perspectives on environment and behavior: theory, research, and applications* (pp. 169-189). New York: Plenum Press.
- [https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-1-4684-2277-1\\_7](https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-1-4684-2277-1_7)
- Özsoy و Malike. (2010). User preferences on transformations of shopping centers into private urban public spaces: The case of Izmir, Turkey, *African Journal of Business Management* Vol. 4(10), pp. 1990-2005
- <http://www.academicjournals.org/AJBM>
- Pazhouhanfara, M. Kamal M.S, M (2014), Effect of predictors of visual preference as characteristics of urban natural landscapes in increasing perceived restorative potential. *Urban Forestry & Urban Greening*, 13:145-151.
- [http://www.academicjournals.org/app/webroot/article/article1380795624\\_Pazhouhanfar%20et%20al.pdf](http://www.academicjournals.org/app/webroot/article/article1380795624_Pazhouhanfar%20et%20al.pdf)
- Tveit M, Ode A, Fry G. (2006), Key concepts in a framework for analyzing visual landscape character. *Landscape Research*, 31(3):229 –55.
- [https://www.researchgate.net/publication/248993938\\_Key\\_concepts\\_in\\_a\\_framework\\_for\\_analysing\\_visual\\_landscape\\_character](https://www.researchgate.net/publication/248993938_Key_concepts_in_a_framework_for_analysing_visual_landscape_character)
- YU, K. (1995), Cultural variations in landscape preference: comparisons among Chinese subgroups and Western design experts. *Landscape and Urban Planning*, 32(2):107–126
- [https://doi.org/10.1016/0169-2046\(94\)00188-9](https://doi.org/10.1016/0169-2046(94)00188-9)
- Wilkie, S. Stavridou, A. (2013). Influence of environmental preference and environment type congruence on judgments of restoration potential, *Urban Forestry & Urban Greening*, 12:163-170.
- [https://www.researchgate.net/publication/257669115\\_Influence\\_of\\_environmental\\_preference\\_and\\_environment\\_type\\_congruence\\_on\\_judgments\\_of\\_restoration\\_potential](https://www.researchgate.net/publication/257669115_Influence_of_environmental_preference_and_environment_type_congruence_on_judgments_of_restoration_potential)
- Zube, E. H., Pitt, D. G., & Evans, G. W. (1983). A lifespan developmental study of landscape assessment. *Journal of Environmental Psychology*, 3(2), 115-128.
- [https://doi.org/10.1016/S0272-4944\(05\)80151-3](https://doi.org/10.1016/S0272-4944(05)80151-3)
- Van den berg, A. E. vlek, C. A. J. coeterier, J. F. (1998). Group differences in the aesthetic evaluation of nature development plans: a



پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی